

کلاه و لنکوته در نماز

دیرآیند: الحاج سید سعید پیمان سویدان



Ketabton.com

۱۳۹۶



تتبع ونگارش:
الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیکی افغان و
مسؤل مرکز فرهنگی بحق لاره - جرمنی

www.masjed.se

کلاه و لنگوته در نماز

در این جای شک نیست که پوشاندن سر درحین نماز برای ایجاد تواضع و فروتنی و برای خشوع و خضوع مفید و مؤثر میباشد . اما قاعدهء عام است که امر عبادی و طریق اجرای عبادات به نقل است و نه به عقل و منطق. این بدان معنی هم نیست که اعمال عبادی منطق و مفیدیت خود را نداشته باشد. اما مسلمان اجرای این اعمال را بخاطر امر و حکم شرع اجراء و عملی میکند و دیگر دلایل مسایل ضمنی اند.

با فهم این اصول و قواعد قابل تذکر است که برخی از مسلمانان بخصوص در افغانستان حکم میفرمایند که امام مسجد حتماً باید در وقت نماز ، کلاه ویا لنگوته به سر داشته باشند . اگر احیاناً کدام ملا بی کلاه و لنگوته در مسجد بحیث امام به امامت پرداخت و مصروف نماز گردد به گمان اغلب ، چانس ادامهء امامت را هم از دست میدهد. مطابق روایات تاریخی و در حدیث صحیح وارد شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم عمامه میپوشیده است که برخی از اوقات لنگوته سفید ، ودر برخی از اوقات از لنگوته ویا عمامه سیاه استفاده نموده است . ولی هیچگونه روایت در احادیث متبرکه به چشم نمی خورد که به مسلمانان در نماز یا خارج از نماز امری به بر سر کردن لنگوته (عمامه) از جانب پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم بعمل آمده باشد. همچنان در روایات اسلامی ذکر گردیده است که پیامبر اسلام محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم زیادتر اوقات بدون لنگوته هم نماز خوانده است. ولی نباید فراموش کرد همانطوریکه قبلاً یادآور شدم پوشاندن سر در نماز از جمله آداب نماز است و انسان را در امر خشوع و خضوع کمک میکند. بناً اگر کسی عمامه و لنگوته بر سر کند، بهتر است ، اما پوشیدن کلاه و لنگی از فرائض، واجبات وحتی از مستحبات نماز هم نیست. این روش تنها عرف و عادت است و باید گفت که: بدون لنگوته وحتی سر لوچ نماز هم انشاء الله تعالی باتکمیل دیگر فرائض و واجبات و سنتهای نماز درست میگردد. فقهاء به این نظر هستند که لباس امر اعتیادی است که زیر قاعده تعبد داخل نیست ودر باب مباحات شامل است و الله متعال این باب را واسع وکلان ارزانی کرده. شریعت به لباس خاص امر نکرده تنها ستر عورت در نماز شرط است.

در لباس عادات و تقالید مسلمانان از شرق تا غرب دنیا فرق می کنند و حتی در داخل کشور بخصوص در کشور ما از شهر تا به اطراف فرق میکند، ودر عادات قاعده است که « **الأصل في الأشياء الإباحة** » یعنی اصل در عادات مباح بودن است تا اینکه دلیل به سنت بودن باشد.

لیکن اگر شخصی نمازگزار کلاه ویا لنگوته می پوشد هم مباح است ویک عادت است و اگر کسی نمی پوشد نیز مباح است و هر دو در سنت داخل نیست و هیچ دلیل شرعی وجود ندارد که کلاه و لونگی در نماز سنت باشد . ولی بهتر که مسلمان در وقت نماز لباس زیبا و پاک به تن کند و به طرف مسجد به زیب و زینت برود .

حدیث نماز با دستار ضعیف است :

در کشور ما به تأسف دیده شده است که برخی برای تائید نظریه خویش در مورد کلاه و لنکوته حدیث خود ساخته خویش را روایت میکند و میگویند : « رُكْعَتَانِ بِعِمَامَةٍ خَيْرٌ مِنْ سَبْعِينَ رُكْعَةً بِلا عِمَامَةٍ » دو رکعت نماز با دستار و لنگی بهتر از هفتاد رکعت نماز است.

قابل تذکر است که این حدیث ضعیف ، باطل و دروغین است و حتی علماء روایت کردن و استدلال کردن به این قول را حرام پنداشته اند .

همانطوریکه در فوق متذکر شدیم که : نماز بدون کلاه قبول می شود. دستار و لنگی و کلاه همه به عرف مردم تعلق دارند، و در شرع اسلامی هیچ حدیث صحیح در مورد فضیلت دستار و کلاه ثابت نیست و هر کس مطابق عرف کشور شان عمل کند و اگر عرف و عادت و تقلید کشور شان کلاه باشد و یا دستار باشد می تواند بپوشد .

از جمله در کشور ما کلاه و در برخی از مناطق کلاه های بوریایی و دستار مروج است، و در کشور عربستان سعودی دستمال بنام شماغ و غیره ، و در کشور مصر ، تونس و تعداد از کشور ها و جوامع اسلامی کلاه بنام تربوش ، و در کشور ترکیه کلاه لنکوته خاص مروج بوده ، و حتی در برخی از کشور های اسلامی ، ائمه مساجد سرلچ و بدون کلاه نماز می خوانند .

دستار و لنگی، کلاه ، تربوش ، شماغ و غیره ... و یا هم سرلچ بودن همه از مباحات است که باید در دائرهء مباح، عادت و عرف مردم مورد مطالعه قرار گیرد .

در مورد عبادت در اسلام و بخصوص نماز باید گفت که : عبادات دارای سه جز است :

۱- ارکان

۲- احکام

۳- آداب است.

۱/۱/۱ ارکان ایجاد یا عدم ایجاد عمل را مشخص می کند .

۲/۲ احکام شکل و چگونگی آنرا معلوم می کند .

۳/۳ و آداب موجب آرایش و تزیین عمل می شود.

بنآ اگر در لباس ملل کلاه یا عمامه شامل باشد ، بهتر است هنگام نماز از آن استفاده شود زیرا الله تعالی می فرماید:

« يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ » (سوره اعراف 31)

یعنی: ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید.

اما مللی که کلاه و یا عمامه یعنی لنکوته جزء لباس آنها نیست ضرورتی ندارد که حتماً هنگام نماز کلاه یا لنکوته به سر کنند زیرا کلاه و لنکوته جزء لباس و زینت آنها نیست برخلاف حالتی که ممکن است کلاه جزئی از آراستن خود با آن باشد.

که نباید مسلمان آنرا به پوشد زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم از لباس « شهرة » منع فرموده است و لباس شهرة لباسی است که عادت يك منطقه نباشد ولی کسی آنرا بپوشد.

ولی اگر یک نفر آنرا نپوشید کسی حق ندارد او را وادار به پوشیدن کند زیرا از سنت عادت است نه سنت عبادت، و در سنت عادت انجام دادن و یا ندادن یکسان است و ثوابی ندارد .

پوشاندن سر در وقت نماز

مسأله پوشاندن سر در نماز (البته برای مردان) شرط صحت نماز نیست و همچنان در وقت خطبه پوشانیدن سر از صحت خطبه نمیباشد .

پوشاندن سر سنت است و برهنه بودن سر در منطقه که مردم عادت داشته باشند که در نماز و خطبه سر خود را بپوشانند مکروه می باشد و طوریکه قبلاً متذکر شدیم ، این سنت از جمله سنت های است که عادات و رواج مردم را در بر میگیرد و در مناطقی که همه برهنه سر نماز می خوانند برهنه بودن سر از جمله مکروهات نیست .

امام الشاطبی در (**الموافقات**) این موضوع را با دلایل قوی و مستند ، توضیح داده و ثابت ساخته است که : پوشانیدن سر و نپوشیدن آن مربوط رسم و رواج مردم میگردد، و شریعت در حکم آن عرف مردم را در نظر میگیرد و انسان نباید به شکل و مظهري ظاهر شود که مردم به آن کراهیت دارند . (برای معلومات مزید مراجعه فرماید به فتاوی شیخ مصطفی الزرقا و رساله الموافقات شیخ امام الشاطبی)

یادداشت مفید :

علامه شیخ ابو اسحاق ابراهیم بن موسی بن محمد اللخمی غرناطی مشهور به شاطبی یکی از علماء جلیل القدر ، مجتهد ، فقیهی و محدّث ، مشهوری در عالم اسلام میباشد .

شاطبی مقام بزرگی در فقه ، اصول ، تفسیر ، حدیث ، علوم عربی و غیر آن دارا میباشد . از تالیفات مشهور اش (**التعریف بأسرار التکلیف** مشهور به **الموافقات** ، در موضوع اصول فقه که در چهار جلد به چاپ رسیده است ، کتاب **المجالس شرح کتاب بیوع** ؛ صحیح بخاری است . کتاب **الافادات و الانشادات** و غیره ... کتب ذی قیمت و پر ارزش را تالیف نموده است .

علامه شاطبی در ماه شعبان سال 790 هجری دار فانی را وداع گفت . پروردگار با عظمت او را غرق رحمت بی انتهای خود سازد ، و جنت فردوس نصیب اش گردد . حکم و فتاوی اش در عرصه های مختلف زندگی مسلمانان از مقام و منزلتی خاصی برخوردار میباشد . ختم

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**